

تناس قرآنی در مقامات حریری (مطالعه موردی در مقامه السمرقندیه و الرازیه)

احمد امیدوار^۱

مجتبی محمدی مزرعه شاهی^۲

مجید مهدوی^۳

چکیده:

بینامتنی حاصل رویکرد زبان‌شناختی از حوزه نقد جدید در ادبیات می‌باشد، که با نقض وجود متن پایدار، باعث آفرینش متن جدید می‌شود و هر متن ادبی تلاش می‌کند که متن‌های دوره‌های مختلف را جذب کند و آن‌ها را دگرگون سازد. حریری از برجسته‌ترین مقامه‌نویسان عصر عباسی است که از قرآن تأثیر بسیاری پذیرفت و از آیات و سوره‌های قرآنی به شکل گسترده و متفاوت در خلال مقاماتش بهره برده است که تنها از تطبیق نظریه بینامتنی می‌توان به زیبایی‌های آن دست یافت. در این مقاله سعی می‌شود که رابطه بینامتنی بین دو مقامه (السمرقندیه و الرازیه) با قرآن کریم به صورت دقیق و همراه با ارائه شواهد مورد بررسی قرار گیرد. واضح‌ترین شکل بینامتنی قرآن با این دو مقامه ی حریری، به صورت نفی متوازی یا امتصاص صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حریری، مقامه، تناس.

طرح مسأله:

یکی از راه‌های درک و شناخت دقیق متون بررسی ارتباط و تعامل بین آن‌هاست زیرا مؤلف به هر طریقی با متون دوره‌های گذشته در ارتباط است و از آن‌ها خواسته و ناخواسته تأثیر می‌پذیرد. هر متن ادبی دارای معنایی درونی است، که خواننده با توجه به قدرت درک و فهم خود آن معانی را از درون متن ادبی استخراج می‌کند، از این عملیات در ادبیات معاصر با نام «خوانش متن» نام می‌برند. بنابراین متون چه از نوع ادبی و چه از نوع غیر ادبی، منحصراً دارای معنای مستقل نیستند و متون با یکدیگر دارای روابطی گوناگون هستند، که این روابط با نام «روابط بینامتنی» شناخته شده است.

برخی نظریات بینامتنی که حول متن هستند، به متن با چشم یک بسته می‌نگرند که تنها به وسیله خود متن قابل درک هستند و عده‌ای دیگر این نظریه را نپذیرفته‌اند و اعتقاد به گشوده بودن متن دارند که با دیگر متون دارای تعامل است. (ر.ک، آلن، ۱۳۸۰، صص ۱۱-۱۲)

۱. ahmad6.omidvar@gmail.com. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی خمین)

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی میبد) mojtaba63mohammadi@gmail.com

۳. دانشجوی دکترای رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان mardi_majid@yahoo.com

البته شیوه های نوین نقد که تحت تأثیر زبان شناسی ظهور کرده‌اند، اکثراً «متن محور» هستند و در خوانش متن ادبی تنها به متن و مسائل پیرامون آن توجه دارند، و این ویژگی آشکار، نقد جدید را از نقد قدیم متمایز ساخته است. بررسی نظریات این گروه نشان می‌دهد که هر متنی در واقع، ترکیبی از متون گوناگون است که از آن با عنوان «بینامتنیت» نام می‌برند، که به اعتقاد اکثر ناقدان، *ژولیا کریستوا*^۴ آن را برای اولین بار تحت تأثیر برخی ناقدان و تلفیق نظریه های آن ها، در مطالعات خود مطرح کرده است؛ از نظر وی بینامتنی ترکیبی کاشی کاری شده از اقتباسات می‌باشد و هر متنی فراخوان و تبدیلی از متون دیگر است. (کریستوا، ۱۳۸۱، ص ۴۴)

گرچه واژه بینامتنیت از ابداعات *ژولیا کریستوا* و در نتیجه ی مطالعات او درباره ی نظریات *باختین* است، اما *کریستوا* به شدت متأثر از افکار حاکم بر حلقه ی *تل کل*^۵ بود که در آن افرادی همچون *رولان بارت*، *ژاک دریدا* و *فیلیپ سولر* گرد هم می‌آمدند و از مهمترین حلقه‌های فکری و فرهنگی قرن بیستم محسوب می‌شد. *بارت* در مقاله ی «*از اثر به متن*» در این باره می‌گوید: «بینامتن تمام متن را فرا می‌گیرد»، جست و جوی «منابع» و «تأثیرات» یک اثر موجب رضایت اسطوره خویشاوندی می‌شود. نقل قول‌هایی که متن را شکل می‌دهند، با وجود این که پیشتر خوانده شده‌اند، ناشناخته و جدایی ناپذیر هستند، به همین دلیل نقل قول هایی بدون گیومه هستند. (www.honar.ac.ir)

اما *باختین* «زبان» را مفهومی عمیقاً اجتماعی و پدیده‌ای جامعه شناختی می‌داند، زیرا گفته می‌شود - پیوسته کسی با کسی سخن می‌گوید - «شکل بیانی گفتار یعنی آن چیزی که به واقعیت زبان وابسته است، جریان اجتماعی آن است»، *باختین* در یکی از یادداشت‌های واپسین سال‌هایش (۱۹۷۱-۱۹۷۰) می‌نویسد: «من چیزی را معنا می‌نامم که پاسخی به یک پرسش است آنچه پاسخ‌گوی هیچ پرسشی نیست معنایی ندارد». (*باختین*، ۱۳۷۳، ص ۱۲۰)

تودوروف^۶ یکی دیگر از افرادی است که در حوزه ی ادبیات فعالیت می‌کند، وی به موضوع ساختارگرایی ادبی علاقه‌مند شد و نخستین کتابش را به نام «*نظریه ی ادبی، متن‌هایی از فرمالیست‌های روس*» در سال (۱۹۶۶م) منتشر کرد اما چند سال بعد به موضوع «*بوطیقا*» روی آورد و «*بوطیقای نثر*» را که از معروف‌ترین آثار اوست، در سال (۱۹۷۱م) به

۴. Julija Kristeva

در سال (۱۹۴۱م) در بلغارستان متولد شد. در مدرسه راهبان دومنیکن به زبان فرانسه درس خواند. بلغارستان جزو بلوک شرق بود، به این ترتیب وقتی او در آستانه سال (۱۹۶۵م)، پس از اخذ دکترا در ادبیات، با یک بورس تحصیلی مخصوص دانشجویان ممتاز به فرانسه رفت. (کریستوا، ۱۳۸۱ش: ۴۱)

۵. Tel Quel

یک گروه روشنفکری اهل فلسفه و سیاست که نشریه‌ای هم به همین نام داشت.

(در سال (۱۹۱۵م) در جنوب غرب فرانسه چشم به جهان گشود، وی نویسنده، فیلسوف و نشانه شناس معروفی بود. *بارت* در دوره Roland Barthes (۶) . وی با انتشار نخستین کتاب، تسلط جنبش ساختارگرایی بر نظام فرهنگی فرانسه زندگی می‌کرد و مؤلفه‌های مهم کار او ساختارگرایی و پساساختارگرایی است خود با عنوان «*درجه صفر نوشتار*» در (۱۹۵۳م) به صف برجسته‌ترین متفکران قرن ۲۰ پیوست. *بارت* در ۲۵ مارس (۱۹۸۰م) در گذشت. (www.scribd.com)

۷. (Tezotan Todruf) در سال (۱۹۳۹م) در شهر صوفیه بلغارستان به دنیا آمد. او در ۲۴ سالگی به فرانسه رفت و در رشته فلسفه مشغول به تحصیل شد، وی فعالیت ادبی‌اش را با ترجمه متونی از نویسندگان فرمالیست روس آغاز کرد و از سال (۱۹۶۳م) تا کنون در فرانسه زندگی می‌کند و با همکاری ژرار ژنت مجموعه «*بوطیقا*» را منتشر کرد. (www.noormags.com)

انتشار رساند. وی معتقد است که: «ادبیات، گونه‌ای گسترش و کاربرد مشخصه‌های زبان است و نمی‌تواند چیزی جز این باشد». (تودروف، ۱۳۷۷، ص ۳۵)

بینامتنیت در ادبیات عرب نیز دارای پیشینه‌ای طولانی است، به طوری که نویسندگانی مانند *ابن رشیق* در کتاب «*قراضه الذهب فی اشعار العرب*» اشاره می‌کند به اینکه: «منبع و مصدر هر گفتاری، گفتار پیش از آن است حتی اگر کشف روابط بین متون و وابستگی‌های متنی کاری آسان نباشد به هر شکل سخن از سخن می‌آید هر چند که راهش پنهان و رابطه‌اش دور باشد». (ر.ک، ابن رشیق، ۱۹۷۲، ص ۸۳)

منتقدان و شاعران قدیم عرب به پدیده تداخل بین متون، بخصوص در گفتمان شعری اشاره کرده‌اند. اما در کنار این موارد مجموعه‌ای از اصطلاحات در میراث نقدی و بلاغی عرب وجود دارد که هر کدام به شکلی با مفهوم بینامتنی در ارتباط هستند و اشاره‌ای است به اینکه ادبا و ناقدان عرب پدیده بینامتنی را پیشتر شناخته‌اند. از جمله این اصطلاحات در زمینه بلاغی می‌توان به **تضمین، تلمیح و اقتباس** اشاره کرد و در زمینه نقدی اصطلاحات **مناقضه‌ها، معارضه‌ها و سرقات شعری** را نام برد.

تضمین: عبارت از آن است که شاعر آیه‌ای، حدیثی یا شعری از شاعران را در شعر خود بیاورد، به قصد تأکید مقصود شاعر یا گوینده‌ای دیگر، در ضمن سخن خویش بیاورد. (شهاب الدین محمود، ۱۹۸۰، ص ۳۲۵) و برای آنکه حق گوینده‌ی نخست ضایع نگردد، تضمین کننده باید با نشانه‌هایی که در متن خود به جای می‌گذارد، مخاطب را از متن غایب آگاه سازد، مگر آنکه موضوع تضمین سخنی سخت مشهور باشد. «در تضمین باید سطح آگاهی مخاطب بالا باشد به گونه‌ای که اگر حضور متن غایب در متن حاضر بر او معلوم باشد، به عملیات بینامتنی اکتفا شده است.» (عزام، ۲۰۰۱، ص ۴۳)؛ در تضمین شاعر از متن غایب برای تاثیر درونی و زیباشناسی بهره می‌گیرد تا بدین وسیله ذهن مخاطب را از متن حاضر به متن غایب سوق دهد.

تلمیح: در اصطلاح ادب، اشاره به داستان، مثل یا شعر است، یعنی مؤلف در اثر خویش بخشی از داستان یا مثل را ذکر می‌کند بدون اینکه به منبع متن غایب در متن خود اشاره‌ای داشته باشد. (هاشمی، ۱۳۷۹، ص ۳۶۴) بنابراین آگاهی از متون قدیم و مهارت در آن‌ها از شرایط تلمیح می‌باشد و هدف از آن زیباسازی و آرایش اثر نوآور است.

اقتباس: شاعر یا نویسنده در ضمن کلام و شعر خویش آیه و یا حدیثی بیاورد و به گونه‌ای نشان دهد که مأخذ گفتارش کجاست. (شهاب الدین محمود، ۱۹۸۰، ص ۳۲۳) و نوعی تعامل بین متون است که نویسنده در اثر خود از آن استفاده می‌کند تا بر متن خود رنگی از قداست و زیبایی دهد و این مهم با داخل کردن بخشی از قرآن کریم یا حدیث نبوی صورت می‌گیرد. اقتباس در حقیقت استعمال یک معنای پخته و کامل است، در واقع قرآن کریم و احادیث نبوی حکم متن غایب را دارند که مؤلف به آنها در متن حاضر اشاره می‌کند.

نقایض: یعنی شاعر به نقض شعر یکی از شاعران پیش از خود، با التزام به وزن، قافیه و حرف رَوّی آن می‌پردازد. در ادبیات عرب نقایض سه شاعر دوره ی امویان (اخطل، جریر و فرزدق) شهرت دارند. «وقتی شاعری به نقض شعر دیگری می‌پردازد، نوعی روابط بینامتنی را آشکار می‌کند که می‌توان آن را از نوع بینامتنی آشکار بر شمرد» (عزام، ۲۰۰۱، ص ۴۵)

معارضه‌ی شعری: بدین معناست که شاعری در یک موضوع، شعری را سروده و سپس شاعر دیگری به تقلید از او شعری می‌سراید که در وزن و قافیه و موضوع با آن موافق است، به گونه‌ای که شعر دوم بازتاب آشکاری از شعر اول و پیش از خود می‌باشد که انگیزه‌ی خلاقیت و برتری انجام می‌گیرد. (اسماعیل، ۱۹۹۴، ص ۳۹)

سرقات شعری: از اصطلاحات کهن ادبی است که با روابط بین متون تناسب دارد و به معنای «گرفتن کلام دیگری در لفظ و معنی به شکل آشکار یا پنهان و نسبت دادن آن به خود می‌باشد که به سه شکل نسخ، سلخ و مسخ^۸ می‌باشد» (هاشمی: ۱۳۷۹، ص ۲۵۷)

در ادبیات عربی، ناقدان اصطلاح^۹ را با واژه «التناص» یا «النصوصیه» به معنای «تداخل متون با هم» ترجمه کرده‌اند و تلاش‌های بی‌شماری برای تبیین آن نموده‌اند و در تحلیل گفتمان شعری از پدیده ی تناص یاد می‌کنند، از بین این ناقدان می‌توان به افرادی از قبیل: محمد عزام، صبری حافظ، محمد بنیس، محمد مفتاح و ... اشاره کرد، این افراد در حوزه تناص مقالات و کتاب‌هایی نوشته‌اند و شاعرانی از قبیل: بدر شاکر سیاب، عبد الوهاب بیاتی و محمود درویش با میراث ادبی و دینی خود تعاملی جامع و کامل برقرار کردند؛ محمد مفتاح در کتاب خود «*تحلیل الخطاب الشعری و إستراجیة التناص (۱۹۸۵م)*» و صبری حافظ در مقاله‌ی خود «*التناقض و إشارات العمل الأدبی (۱۹۸۶م)*» به گسترش تحقیقات در روابط بینامتنی کمک شایانی کردند، (ر.ک، صمادی، ۲۰۰۲، ص ۷۰) در ضمن بسیاری از نویسندگان معاصر عرب به ترجمه ی آثار **باختین** و دیگر منتقدان غربی که در حوزه روابط بینامتنی و نقد ادبی فعالیت می‌کردند، طرحی نو در ادبیات عرب در انداختند، و از روابط بینامتنی با نام‌هایی از قبیل: «*التناص، التناصیه، النصوصیه، تداخل النصوص، النصوص المهاجره و المهاجره إلیها*» یاد می‌کنند.

بنابراین بینامتنی عبارت است از: تبادل تاثیرپذیری و تاثیرگذاری متقابل بین متون ادبی و دیگر متون و با ایجاد رابطه تاثیر و تاثر بین متن غایب و متن حاضر» (الموسی، ۱۹۹۲، ص ۸۳)

محمد بنیس از نخستین پژوهشگران حوزه بینامتنیت در ادبیات عربی به شمار می‌رود که در بیان دیدگاه‌هایش از منتقدان غربی مانند کریستوا، تودروف و بارت تاثیر پذیرفته و از آن‌ها با عنوان ابزاری برای خوانش متون بهره گرفته است. (ساره، ۲۰۰۷، ص ۳۵) و معتقد است: «در این تداخل متون، متن حاضر توسط متن غایب آفریده می‌شود و خوانش و نوشتار متن غایب بازآفرینی می‌شود». (بنیس، ۱۹۷۹، ص ۲۵۱)

محمد بنیس با تاثیرپذیری از ژولیا کریستوا معیارهای سه‌گانه بینامتنی را نفی جزئی، نفی متوازی و نفی کلی می‌داند:

^۸ - نسخ یا انتحال آن است که سارق لفظ و معنا را باهم بگیرد. مسخ یا اغاره آن است که سارق برخی از لفظ را بگیرد. سلخ یا المام آن است که سارق فقط معنا را بگیرد.

^۹ . intertextuality

۱- **نفی جزئی یا اجترار:** مؤلف در این نوع از روابط بینامتنی جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است و کمتر ابتکار و نوآوری در آن وجود دارد. (عزام، ۲۰۰۵، ص ۱۱۶) متن اقتباس شده از متن غایب می‌تواند یک کلمه، یک عبارت و یا یک جمله باشد، البته این نوع از روابط بینامتنی از نوع ابتدایی و آسان به شمار می‌رود. «چنین تعاملی به شکل جزئی صورت می‌گیرد و معمولاً از نظر معنای الفاظ و عبارات، موافق با متن غایب می‌باشد.» (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۶)

۲- **نفی متوازی یا امتصاص:** این نوع از بینامتنی از نوع قبلی قویتر است و در آن مؤلف متن غایب را پذیرفته و آن را به شکلی در متن حاضر به کار می‌برد که جوهره متن غایب تغییر نمی‌کند، (الموسی، ۲۰۰۰، ص ۵۵) مؤلف متن حاضر را با متن غایب هماهنگ می‌کند و بین آن دو متن نوعی سازش ایجاد می‌کند و در ضمن دفاع از متن پنهان، نوآوری اندکی در ساختار کلام ایجاد می‌کند و متن حاضر در موازات متن غایب قرار می‌گیرد و واژگان اقتباس شده، همان نقشی را که در متن غایب ایفا می‌کردند، در متن حاضر نیز بر عهده دارد، البته با نوعی تغییر و تنوع واژگانی و معنایی.

۳- **نفی کلی یا حوار:** این نوع از روابط بالاترین درجه روابط بینامتنی است و نیاز به خوانشی دقیق و آگاهانه دارد تا خواننده متن غایب را با ذکاوت خود درک کند، زیرا مؤلف سعی کرده متن پنهان را بازآفرینی کامل کند و حتی گاهی اوقات خلاف معنای متن غایب را به کار می‌برد. (وعد الله، ۲۰۰۵، ص ۳۷) و به عبارتی دیگر: «در آن شاعر یا نویسنده یک مقطعی از متن غایب را در متن خود می‌آورد، در حالی که معنی متن متحول شده است. در واقع در نفی کلی مقدار زیادی از متن پنهان در متن حاضر بکار رفته و معمولاً این تعامل به شکل آشکار صورت می‌گیرد، چرا که خواننده با خواندن متن حاضر، بخاطر وفور، وضوح و به حضور بارز متن غایب در متن حاضر بدان پی برده و حامل بالاترین شکل تعامل با متن غایب است» (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۷)

محمد مفتاح از منقدان معاصر عرب، از کریستوا تاثیر پذیرفته و از روابط بینامتنی با واژه‌ی «التناص» تعبیر می‌کند و آن را چنین تعریف می‌کند: «بینامتنیت، تعامل متون گوناگون با یکدیگر در کم و کیف های مختلف است.» (مفتاح، ۱۹۸۵، ص ۱۲۱)

بینامتنیت از رویکردهای جدید نقد ادبی معاصر به شمار می‌رود که طریقه نگریستن به مؤلف و اثر او را دگرگون ساخت و این نگرش مورد توجه ناقدان عرب نیز قرار گرفت و آنها را به انجام پژوهش‌هایی در این زمینه‌ها وادار کرد تا جایی که در این حوزه پایان‌نامه‌هایی و مقالاتی نوشته شده که از میان آن‌ها می‌توان به «مظاهر التناص الدینی فی شعر احمد مطر» نوشته عبدالمنعم محمد فارس و «التناص فی روایة الیاس خوری» در مقطع کارشناسی ارشد اشاره کرد. در ایران نیز پژوهش‌هایی در این حوزه به طور گسترده صورت نگرفته، و از جمله پژوهش‌های اندک انجام شده می‌توان به؛ «بینامتنی دیوان ابو العتاهیه و نهج البلاغه» نوشته دکتر مرتضی قائمی و پایان‌نامه‌ای با عنوان «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر» نوشته ماشاء الله واحدی به راهنمایی دکتر فرامرز میرزایی اشاره نمود و در مورد تاثیر قرآن بر اشعار بوصیری، مقاله‌ای توسط دکتر ابوالحسن امین مقدسی نوشته شده اما در آن به روابط بینامتنی اشعار با قرآن کریم

اشاره‌ای نشده است. لذا در حوزه روابط بینامتنی در اشعار شاعران مملوکی پژوهشی صورت نگرفته، این مقاله نخستین پژوهش در این زمینه است.

مقامه

مقامه در لغت به معنای موضع قیام، برخاستن و مجلس آمده است و در اصطلاح ادبی داستان کوتاه می‌باشد که حوادث آن در یک مجلس واحد دور می‌زند. (البستانی، د ت، ج ۲، ص ۳۸۹)

مقامه به طور کلی از انواع داستانهای کهن می‌باشد که با نثر مصنوع آمیخته با شعر است که پیرامون یک قهرمان، به صورت ناشناس در داستان ظاهر می‌شود و حوادثی بوجود می‌آورد که در پایان داستان شناخته می‌شود و سپس ناپدید می‌شود، تا آن که دوباره در هیبتی دیگر، در مقامه بعدی آشکار شود. (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۲۰۷)

مقامه داستان کوتاهی است که بر اساس خوهندگی و گدایی بنا شده و در واقع از سه رکن اصلی ذیل تشکیل شده است:

۱- راوی: همان کسی است که حوادث رخ داده در مجلس مقامه را ذکر می‌کند.

۲- متکدی (بطل یا قهرمان مقامه): که تمامی حوادث داستان حول او دور می‌زند و داستان در نهایت با پیروزی

او در کلیه امور پایان می‌پذیرد.

۳- ملحه (نکته یا گره و عقده): همان امری است که مقامه در خصوص آن شکل گرفته و تنظیم شده که البته

این عقده و گره در مقامات گاه از امور غیر اخلاقی و گاه از مسایل اخلاقی سخن می‌گوید و مفید است. (صاعد واقفی افروشته، ۱۳۸۲، شماره ۲۰۲: ۶۰)

معمولاً نام مقامه مأخوذ از شهری است که مجلس مقامه در آن تشکیل شده، مانند مقامات الرازیه و السمرقندیه در

ادامه به بررسی هر یک پرداخته می‌شود:

مقامه الرازیه حریری^{۱۰} از جمله مقامات اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌رود که در آن ابوزید والی در صدد ادای حقوق

مردم است و مقامه السمرقندیه از جمله مقامات ادبی و دینی است که حریری ضمن آوردن جملات و کلمات ادبی، از آیات قرآنی به خوبی بهره برده است. دانشمندان زیادی به شرح مقامات حریری پرداخته‌اند و از سبک نوشتاری او به شیوه‌های گوناگون تقلید کرده‌اند که از معروفترین آنها قاضی حمید الدین بلخی است که در قرن ششم هجری «مقامات حمیدی» را به زبان فارسی نوشت.

«استفاده حریری از آیات قرآنی، احادیث، کنایات، مثل‌ها، معماهای نحوی و فقهی و ... وی را از پرداختن به بزرگترین

گنجینه واژگان عربی، در مقامات خویش باز داشته، همین امر ابن خلکان را مجاب کرد که بگوید: «مقامات حریری بسیاری از واژگان عربی را در بر گرفته است». (دادخواه و جمشیدی، شماره ۵۴، ۱۳۸۶، ص ۲۴۲)

در زمینه‌ی مقامات حریری که از برجسته‌ترین مقامه‌نویسان به شمار می‌رود پژوهش‌هایی انجام گرفته است که

مهمترین آنها عبارتند از مقاله «شخصیتهای نمادین مقامات حریری» نوشته رضا ناظمیان و مقاله «بررسی تطبیقی سبک ادبی در مقامات حریری و حمیدی» نوشته حسن دادخواه و لیلا جمشیدی.

۱۰. ابومحمد القاسم بن علی بن محمد بن عثمان الحریری البصری در سال (۱۰۵۴/۴۴۶) در حوالی شهر بصره در روستای «المشان» در خانواده‌ای عرب، در دوران خلافت المسترشد یکی از خلفای عباسی متولد شد و در سال ۵۱۱ هـ ق از دنیا رفت.

در این مقاله انواع مختلف روابط بینامتنی مانند: بینامتنی الفاظ، بینامتنی مضمون، بینامتنی موسیقی و بینامتنی علم یا شخصیت از قرآن کریم در دو مقامه (السمرقندیه و الرازیه) حریری، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱) بینامتنی واژگانی:

مراد از بینامتنی واژگانی، اقتباس کلمات یا مفرداتی از متن غایب می‌باشد که از طریق دلالت معنایی و ساختاری در متن، حاضر می‌گردد و ممکن است این واژگان موافق یا مخالف با متن غایب به کار روند. الفاظ ماده اولیه‌ای است که هر ادیبی می‌تواند با آن، تصور خود را از هستی ارائه دهد، در واقع نسبت ادیب به واژگان همانند نسبت نقاش به رنگ است، و همانگونه که هنرمند با دسترسی به رنگ و استفاده از هنر و زبردستی خود می‌تواند تابلو و اثری زیبا را بیافریند، نویسنده و شاعر نیز با استفاده‌ی ادیبانه از واژگان می‌تواند متنی زیبا را خالق کند. (مرتاض، ۱۹۹۸ص، ۳۷۰)

الف- متن حاضر: وَلَمْ يَزَلِ النَّاسُ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا. وَيُرِدُونَ فِرَادَى وَأَزْوَاجًا. (حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۱)
متن غایب: (وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا) [نصر / ۲]

عملیات بینامتنی: حریری با استفاده از آیه ی ۲ سوره نصر یک بینامتنی لفظی و تعاملی آگاهانه با متن غایب برقرار ساخته است و گرایش مردم به دین خداوند و اسلام در گروه های مختلف را اقتباس کرده و عیناً در متن خود آورده است، بنابراین او استفاده مستقیم و هماهنگ با مضمون و لفظ آیه انجام داده است و در جملات بعد مضمون آیه را مقداری تغییر داده و آن را به سرچشمه‌ای گوارا تشبیه کرده است که افراد وارد شده در آن بعد از رفع عطش و سیرابی به صورت انفرادی و گروهی از آن آبشخور گوارا خارج می‌شوند و از ورود خود به دین اسلام احساس رضایت می‌کنند.

علاوه با بینامتنی الفاظ، بینامتنی موسیقایی نیز در این بخش با متن غایب برقرار است که حریری با ذکر عین عبارت قرآنی در آخر جملات متن خود و برقراری سجع بر پایه موسیقی قرآنی، بینامتنی موسیقایی را ایجاد کرده است. نوع بینامتنی به کار رفته در این بخش، بینامتنی نفی متوازی است که نویسنده واژگان متن غایب را بدون اینکه تغییری در آنها ایجاد کند و در همان معانی لغویشان، در متن حاضر آورده و نوعی تعامل آگاهانه و مستقیم با متن غایب برقرار کرده است.

ب- متن حاضر: وَالْمَدْرُ مِهَادٌ كُمْ. (حریری، ۱۳۶۴، ص، ۲۲۴)

متن غایب: (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا) [نباء / ۶]

عملیات بینامتنی: در این قسمت از مقامه، حریری از واژگان آیه مذکور استفاده کرده و الفاظ متن غایب را به طور مستقیم در متن خود آورده و حتی مضمون آن را نیز گرفته است که مربوط به عاقبت انسانهاست و اینکه در پایان در خاک دفن می‌شوند و به اصل خود که خاک بوده باز می‌گردند. حریری این مضمون و اندیشه را اقتباس کرده و با تغییر برخی از واژگان آن در متن جدید با آوردن واژه «مدر» به جای واژه «أرض» واژگان و مضمون قرآنی را باز آفرینی کرده است، می‌توان نوع بینامتنی به کاررفته در این بخش را از نوع بینامتنی نفی متوازی دانست؛ زیرا نویسنده برخی واژگان متن غایب را عیناً در متن حاضر آورده و نوعی تعامل آگاهانه با متن غایب برقرار کرده است.

ج- متن حاضر: أَمَا السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ كُمْ. (حریری، ۱۳۶۴، ص، ۲۲۴)

متن غایب: (بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذَىٰ وَآمْرٌ) [قمر / ۴۶]

عملیات بینامتنی: در اینجا حریری از حوادث پر هول و هراس قیامت سخن می‌گوید، همان طور که قرآن از این حادثه هولناک سخن به میان می‌آورد، نویسنده بحث قیامت را با آوردن این جمله که بخشی از آیه ۴۶ سوره مبارکه قمر است، یاد آور می‌شود.

واضح‌ترین شکل بینامتنی در این بخش، بینامتنی واژگان است که نویسنده با به کارگیری واژگان قرآنی در تعامل با متن غایب است و واژگان را در همان معانی قرآنی به کار برده است، در متن غایب (السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ) اشاره به قیامت است که خداوند آن را به مردم وعده داده است.

علاوه بر بینامتنی واژگان، حریری از بینامتنی درون مایه نیز بهره برده است، به گونه‌ای که با یادآوری حال و هوای قیامت، خواننده را در یک فضای قرآنی قرار داده و سعی می‌کند با ذکر قیامت و پایان پذیرفتن این دنیای فانی، خواننده را به فکر کردن در اعمال و رفتار خود وادارد.

نوع بینامتنی به کار رفته در این متن، از بینامتنی نفی متوازی است و نویسنده بدون اینکه تغییری در واژگان و مضمون متن غایب بوجود آورد آنرا در متن حاضر به کار برده و یک تعامل آگاهانه با متن غایب به کار برده است.

د- متن حاضر: **أَمَا دَارُ الْعُصَاةِ الْحُطَمَةِ الْمُؤَصَّدَةِ!** (حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۴)

متن غایب: (**كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ * إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّؤَصَّدَةٌ**) [همزه/ ۴ و ۸]

عملیات بینامتنی: حریری تعدادی از کلمات پیرامون آخرت و جهنم که در قرآن آمده را با ترکیب‌هایی جدید در مقامه خود به کار برده است و از نمونه‌های آن به کار بردن لفظ (موصده و الحطمه) است که در آیات ۴ و ۸ سوره مبارکه همزه آمده و از صفات آتش جهنم است و بینامتنی لفظ و مضمون با متن غایب را برقرار کرده است، البته با هماهنگ کردن سجع متن خود با موسیقی قرآنی سوره مبارکه همزه، بینامتنی موسیقایی را هم در مقامه خود گنجانده است.

ه- متن حاضر: **وَأَحَلَّكُمْ دَارَ السَّلَامِ!** (حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۵)

متن غایب: (**لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**) [انعام/ ۱۲۷]

عملیات بینامتنی: نویسنده مقامه واژگان قرآنی آیه ۱۲۷ سوره مبارکه انعام را در متن خود ذکر کرده و واضح‌ترین شکل بینامتنی به کار رفته در این بخش بینامتنی واژگان است که در آن از واژگان متن غایب به طور مستقیم استفاده شده و حتی مضمون آیه را هم که مربوط به اهالی بهشت است را به کار برده، که خداوند برای آنها در نزد خود (دار السلام) قرار داده، حریری این مضامین قرآنی را گرفته و با تغییر کلمات پیرامون آن، یک متن جدید را ایجاد کرده است، خواننده هنگام مطالعه مقامه او به آیات مرتبط با متن حاضر سوق داده می‌شود و از این تعامل آشکار و معنوی او با متن غایب لذت می‌برد، نویسنده باز هم بینامتنی نفی متوازی را مورد استفاده قرار داده است.

۲) بینامتنی اسم علم یا شخصیت:

این نوع روابط بینامتنی به بعد تاریخی یا فکری متن نظر دارد. اکثر شاعران دوره مملوکی از شخصیت‌های قرآنی از قبیل پیامبر اکرم(ص)، حضرت ابراهیم(ع)، حضرت عیسی(ع)، حضرت موسی(ع) و حضرت نوح(ع) در اشعارشان بهره برده‌اند و قصائدشان را به نامهای مبارک آنها مزین کرده‌اند.

الف- متن حاضر: **وَمُهَلِكِ عَادٍ وَإِرمَ.** (حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۲)

متن غایب: (**أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ * إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ**) [فجر/ ۶ و ۷]

عملیات بینامتنی: شاعر در این بیت به طور مستقیم از متن غایب استفاده نکرده، بلکه با به کار بردن اسم خاص که خود دلالت بر حکایتی دارد به این تعامل اشاره داشته است. وی با ذکر نام قوم (عاد) و سرزمینشان (إرم) خواننده را به متن غایب و داستانهای ذکر شده پیرامون این قوم و سرزمینشان در قرآن سوق می دهد و این نکته را اثبات می کند که عاقبت ظلم و جور نابودی و هلاکت است. بنابراین مولف با استفاده از نفی متوازی این تعامل را نشان داده و این تعامل آگاهانه است؛ چرا که رابطه بین این دو متن کاملاً آشکار است و آن رابطه، نابودی قوم عاد و إرم، نمادهای ظلم و جور زمانه خودشان است.

۳) بینامتنی مضمون:

حال اگر اقتباس از متن غایب صرفاً به شکل معنا و مفهوم صورت پذیرد، بینامتنی مضمون، اندیشه و یا معنایی را شامل می شود، در این عملیات نویسنده یا شاعر مضمون اقتباس شده از متن پنهان را در ساختاری جدید به همراه واژگانی متفاوت از متن غایب نشان می دهد و معمولاً هماهنگ با متن غایب است.

الف- متن حاضر: *أَذْرَكَ كُلَّ سِرِّ عِلْمِهِ. وَوَسِعَ كُلَّ مِصْرٍ حِلْمُهُ.* (حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۲)
متن غایب: *(رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُغْلِي وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ)* [إبراهیم / ۳۸]

عملیات بینامتنی: مضمون این متن، از جمله مضامینی است که حریری از قرآن کریم اقتباس کرده و با تغییراتی در کلمات متن غایب، متنی جدید را ایجاد کرده که همان مضمون متن غایب را در بر دارد. یقیناً علم خداوند بر همه علمها و به تمام وقایع دنیوی و اخروی احاطه دارد، نویسنده برای تأکید این قدرت لایزال الهی مضمون آیات قرآنی را در متن حاضر آورده و قطعاً خداوند بر همه اعمال آشکار و پنهان موجودات آگاه است. بنابر این مولف با استفاده از نفی متوازی این تعامل را نشان داده و این تعامل آگاهانه است؛ چرا که رابطه بین این دو متن کاملاً آشکار است و آن احاطه علم لایزال الهی بر همه اعمال و رفتار انسانها است.

ب- متن حاضر: *وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْعَادِلُ الصَّمَدُ. لَا وَلَدَ لَهُ وَلَا وَالِدَ.* (حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۲)

متن غایب: *(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ) [إخلاص / ۱ - ۳]*

عملیات بینامتنی: نویسنده مقامه در این قسمت از متن خود یک تعامل آگاهانه با واژگان و مضمون سوره توحید برقرار کرده است به گونه ای که مضمون این سوره را کاملاً در متن خود ذکر کرده و در واژگان و ترکیب کلمات آن تغییراتی را بوجود آورده است و در واقع متن را باز آفرینی کرده، به گونه ای که جمله «هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ» با آیه اول سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) در تعامل مستقیم و آگاهانه است و همچنین جمله «الْعَادِلُ الصَّمَدُ» با آیه دوم این سوره یعنی (اللَّهُ الصَّمَدُ) در ارتباطی نزدیک است و آخرین جمله این بخش «لَا وَلَدَ لَهُ وَلَا وَالِدَ» هم با آیه سوم این سوره (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ) در تعامل است.

حریری به شکل موازی و هماهنگ با متن غایب از این نوع بینامتنی استفاده کرده است. بنابراین نوع بینامتنی به کار رفته در این بخش از مقامه بینامتنی نفی متوازی است، علاوه بر بینامتنی مضمون و الفاظ، صاحب مقامه از بینامتنی موسیقایی نیز بهره برده است و موسیقی متن خود را با به کار بردن کلماتی چون (أحد، صمد و والد) هماهنگ با موسیقی سوره مبارکه توحید قرار داده تا اینکه خواننده را در یک فضای قرآنی و معنوی قرار دهد و با توجه به جملات قبل و بعد این بخش از مقامه، هدف حریری کاملاً مشهود است که خواسته خواننده را در ابتدای مقامه خود در یک فضای قرآنی و روحانی قرار دهد.

ج- متن حاضر: أَرْسَلَ مُحَمَّدًا لِلإِسْلَامِ مَمَّهْدًا. وَلِلْمِلَّةِ مَوْطِدًا. وَلِأَدِلَّةِ الرَّسْلِ مُؤَكِّدًا. وَلِلأَسْوَدِ وَالأَخْمَرِ مُسَدِّدًا. وَصَلَ الأَرْحَامَ. وَعَلَّمَ الأَحْكَامَ. وَوَسَّمَ الحَلَالَ وَالحَرَامَ. وَرَسَّمَ الإِخْلَالَ وَالإِحْرَامَ. (حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۲)

متن غایب: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) [فتح/۲۸]

(الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الأِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أولئك هُمُ الْمُفْلِحُونَ) [اعراف/ ۱۵۷]

(كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُمُ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ) [بقره/ ۱۵۱]

عملیات بینامتنی: حریری متن خود را در بینامتنی مضمون با متن غایب قرار داده است و یک تعامل آشکار با مضمون آیات مذکور ایجاد کرده است و مضمون را، که مربوط به فرستاده شدن رسول اکرم (ص) از جانب خداوند بر مردم که مأمور رساندن دستورات الهی بر خلق خداست و موارد حلال و حرام را با ذکر جزئیاتش بیان می‌کنند و بقیه وظایف الهی را که بر عهده رسول خدا بود را باز گو می‌کند و برخی خصوصیات منحصر به فرد خاتم انبیاء (ص) را با الگو برداری از آیات قرآن ذکر می‌کند. نوع بینامتنی مانند اکثر تناصهای به کار رفته در مقامات از نوع بینامتنی نفی متوازی است.

د- متن حاضر: كَمْ طَمَسَ مَعْلَمًا. وَأَمَرَ مَطْعَمًا. وَدَمَّرَ مَلِكًا مُكْرَمًا. (حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۳)

متن غایب: (أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى) [طه/ ۱۲۸] و (فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِمِهِمْ أَنَا دَمَّرْنَا لَهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ) [نمل/ ۵۱]

عملیات بینامتنی: حریری یک بار دیگر از مضامین قرآنی بهره برده و تعاملی هماهنگ با مضامین این آیات بدین صورت که خداوند در طی گذشت زمان افرادی را که از دستورات الهی سرپیچی می‌کردند و کارهای ناپسند انجام می‌دادند را به طور کلی هلاک می‌کند و در این هلاکت برای کسانی که اهل خرد و فکر باشند عبرتها و درسهایی فراوان است و در مقابل افراد مطیع دستورات الهی را در دنیا و آخرت خوشنود می‌سازد. و به آیاتی که مربوط به نابودی کافران و افراد نیرنگباز و مکار اشاره دارد و بیان می‌کند که خداوند بسیاری از پادشاهان که خود را به قصرهای محکم و لشکریان زیاد مجهز کرده بودند و خودشان را بزرگان زمان خود می‌دانستند و بسیاری از ظلم و ستمها را بر مردم عادی روا می‌داشتند اما پروردگار با قدرت لایزال خود همگی آنها را نابود کرد.

نویسنده مقامه این اندیشه و مضمون را از آیات الهی اقتباس کرده و با تغییر در ترکیب کلمات، یک متن جدیدی را باز آفرینی کرده است و با ایجاد این فضای قرآنی، خواننده مقامه را از انجام اعمال ناپسند باز می‌دارد و یاد آور می‌شود که عاقبت افراد ستمکار و ظالم، نابودی و فناست و مرگی ذلت بار نصیب آن‌ها می‌شود.

حریری با به کارگیری حوادث و حکایتهای قرآنی از واژگان آن نیز آگاهانه و آشکار بهره برده و به طور موازی و هماهنگ با متن غایب از این نوع بینامتنی استفاده کرده است و مضمون آیه را در متن حاضر ذکر کرده و حتی (کم) خبریه را آورده که دلالت بر کثرت دارد و سبک و سیاق متن خود را، تا جایی که امکان داشته مطابق با قرآن قرار داده است.

نویسنده از نوع بینامتنی نفی متوازی استفاده کرده و متن غایب را به طور مستقیم و در همان مضمون قرآنی آورده است و تعامل آگاهانه با متن غایب برقرار کرده است.

ه- متن حاضر:

واعلم بأن المنون جائله

وقد أدارت على الوری دارا

(حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۶)

أما الجمامُ مُدرِکُکم. (همان: ۲۲۴)

متن غایب: (کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ أَدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَیَاةُ الدُّنْیَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ) [آل عمران/ ۱۸۵]

عملیات بینامتنی: حریری بار دیگر از مضامین قرآنی در مقامه خود استفاده کرده و مضمون آیات مذکور را مستقیماً در متن خود آورده است و اشاره به این دارد که هر انسانی عاقبت در این دنیای فانی خواهد مرد و روح از بدن او جدا خواهد شد، نویسنده با یاد آوری این مطلب از قرآن خواننده را به تأمل در اعمال و کردار خود و می‌دارد تا اینکه اشتباهات احتمالی خود را جبران کند و با خیالی آسوده به سوی زندگی ابدی خود حرکت کند. نوع بینامتنی به کار رفته در این مقامه، بینامتنی نفی متوازی است که نویسنده با تغییر جزئی در برخی کلمات متن غایب، متنی جدید را بازآفرینی کرده است، اما مضمون متن غایب را بدون تغییر ذکر کرده است.

و- متن حاضر: یُعْجِبُکَ التَّکَاثُرُ بِمَا لَدَیْکَ. (حریری، ۱۳۶۴، ص ۱۶۸)

متن غایب: (أَلْهَآکُمُ التَّکَاثُرُ) [تکاثُر/ ۱]

عملیات بینامتنی: حریری بار دیگر از حکایت‌های قرآنی کمک گرفته و بینامتنی واژگان و مضمون را در این بخش ذکر کرده و از اندیشه و مفهوم آیات قرآنی که در این سوره به سرزنش افرادی می‌پردازد که حتی به زیادی تعداد قبور خود هم افتخار می‌کنند و خداوند آنها را از این عمل ناشایست باز می‌دارد.

نویسنده مقامه به شکل موازی و هماهنگ از این نوع بینامتنی استفاده کرده است و بخشی از مقامه خود را در تعامل با واژگان و مضمون متن غایب قرار داده، که این قبیل مسایل اخلاقی و دینی در مقامات حریری فراوان دیده می‌شود.

ز- متن حاضر: أَتَنْظُنُّ أَنْ سَتُتْرَکَ سُدًى. (حریری، ۱۳۶۴، ص ۱۶۹)

متن غایب: (أَوْ یَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ یُتْرَکَ سُدًى) [قیامت/ ۳۶]

عملیات بینامتنی: در این قسمت از مقامه حریری متن خود را در بینامتنی مضمون با متن غایب قرار داده است و یک تعامل آشکار با مضمون آیه ۳۶ سوره قیامت بوجود آورده است و مضمون آیه مذکور را دقیقاً در متن خود گنجانده و به شکل موازی و هماهنگ از متن غایب استفاده کرده است، متن غایب می‌گوید خداوند انسانها را بیهوده نیافریده و از آفرینش آنان اهدافی را داشته و برای هر یک وظایفی را قرار داده است که با انجام آنها می‌توانند آفریننده خود را خشنود کنند. حریری از نوع بینامتنی نفی جزئی استفاده کرده و متن غایب را به طور مستقیم و در همان مضمون قرآنی آورده است و تعامل آگاهانه با متن غایب برقرار کرده است.

۴) بینامتنی واژگان و مضمون:

در بینامتنی مضمون و واژگانی شاعر و نویسنده سعی می‌کنند که معنا و مفهوم متن غایب را در متن حاضر بگنجانند و در ضمن معنا و مفهوم اقتباس شده از برخی واژگان متن غایب به بدون اینکه در آنها تغییری ایجاد کند به کار می‌برد برای اینکه تاثیرگذاری متن خود را بیشتر سازد و خواننده هنگام خوانش متن به روابط بینامتنی دست یابد.

الف- متن حاضر: لَا مَالٌ أَسْعَدَهُمْ وَلَا وَدٌّ. (حریری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۴)

کلاً واللّٰه لئن یدفع المنون. مال ولا بنون! ولا ینفع أهل القبور. سوی العمل المبرور! (همان، ۱۶۹)

لَعْمَرُكَ مَا تُغْنِي الْمَغَانِي وَلَا الْغِنَى

إِذَا سَكَنَ الْمُثْرَى الثَّرَى وَثَوَى بِهِ

(همان، ۲۱۷)

متن غایب: (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ) [شعراء/ ۸۸]

عملیات بینامتنی: این بخش از مقامه اشاره‌ای مستقیم به آیه ۸۸ سوره مبارکه شعراء دارد و مضمون آیه بدون اینکه تغییری در آن ایجاد شود، در این بخش آمده است و بینامتنی مضمون با متن غایب دارد و به شکل موازی و هماهنگ با متن غایب در تعامل است، متن غایب می‌گوید: که در روز قیامت مال، ثروت و فرزند هیچ سودی برای انسان ندارد و زمانی است که انسان باید به کارنامه اعمال خود بنگرد و اگر کارهای نیک انجام داده امید رفتن به بهشت را دارد و در غیر این صورت باید آتش سوزان جهنم را تحمل کند و فرزند و مال دیگر به فریاد او نمی‌رسد.

حریری این مضمون و اندیشه را از آیات الهی اقتباس کرده و در متن حاضر باز آفرینی کرده و از نوع بینامتنی نفی متوازی بهره برده است و متن غایب را به طور مستقیم و در همان مضمون قرآنی آورده و یک تعامل آگاهانه با متن غایب برقرار کرده است.

علاوه بر بینامتنی مضمون نوع دیگری از بینامتنی در این بخش به چشم می‌خورد و آن بینامتنی واژگان است که حریری با آوردن کلماتی از قبیل (مال، لا بنون و لاینفع) خواسته حداکثر بهره را از مضمون و واژگان آیه مذکور ببرد و خواننده را در یک فضای قرآنی قرار دهد.

نتیجه گیری

با بررسی و تحلیل روابط بینامتنی دو مقامه (السمرقندیه و الرازیه) حریری با قرآن کریم از طریق انجام عملیات بینامتنی دریافته که ارتباط مقامات این مقامه نویسی برجسته عصر عباسی به عنوان متن اصلی یا متن حاضر با قرآن کریم به عنوان متن غایب یا پنهان غالباً آگاهانه بوده و اکثراً از نوع نفی متوازی یا امتصاص بوده است، زیرا حریری از متن پنهان به گونه‌ای بهره برده که در متن حاضر جوهره تغییر نکرده، بلکه با توجه به مقتضای متن حاضر و شرایط آن، همان نقشی را که در متن غایب داشت، ایفا می‌کند و تفاوت اندکی در چینش کلمات پیرامون متن اقتباس شده از متن غایب وجود دارد، که حریری آنها را برای نشان دادن تسلط خود بر کلمات و واژگان به کار می‌برد و از بُعد آموزشی مقامه خود نیز غافل نمی‌شود.

منابع و مأخذ:

الف- کتاب ها و مقالات:

قرآن کریم

۱. آلن، گراهام *بینامتنیت*، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز، (۱۳۸۰ش).
۲. ابن رشيق القيرواني، *أبو علي الحسنقراضة الذهب في أشعار العرب*، تحقيق الشاذلي بو يحيى، تونس: الشركة التونسية للتوزيع، لا طبعة، (۱۹۷۲م).
۳. اسماعيل، عبد الرحمان، *المعارضات الشعرية*، الطبعة الأولى، دراسة تاريخية نقدية، جدة: النادي الأدبي الثقافي، (۱۹۹۴م).
۴. باختين، ميخائيل، *سوداي مكالمه*، خنده، آزادی، گزیده و ترجمه‌ی محمد پوينده، آرين (۱۳۷۳ش).
۵. بستاني، بطرس، *أدباء العرب في العصر العباسية*، بيروت: دار الجليل، جلد دوم (د. ت).
۶. بنيس، محمد، *إنفتاح النص الروائي*، الطبعة الثالثة، المغرب: السياق، (۱۹۷۹م).
۷. تودروف، تزوتان، *بوطيقای ساختار گرا*، چاپ دوم، محمد نبوی، تهران، نشر آگه، (۱۳۸۲ش).
۸. حريري، قاسم بن علي، *مقامات حريري*، به تحقيق: محمد راوقی، چاپ اول، موسسه شهيد محمد راوقی، چاپ افست گلشن، از دار الصادر بيروت، (۱۳۶۴ش).
۹. دادخواه، حسن و جمشیدی، ليلا، *بررسی تطبیقی سبک ادبی مقامات حریری و حمیدی*، دانشگاه شهيد چمران اهواز، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۴ (۱۳۸۶ش).
۱۰. راوقی، علی، *ترجمه مقامات حریری*، چاپ اول، موسسه شهيد محمد راوقی، (۱۳۶۵ش).
۱۱. شمس، سيروس، *انواع ادبی*، چاپ دوم، انتشارات فردوس، (۱۳۷۳ش).
۱۲. شهاب الدين محمود، أبو الثناء محمود بن سليمان بن فهد، *حسن التوسل إلى صناعة الترسيل*، القاهرة: المطبعة الوهبيّة، (۱۸۲۸م).
۱۳. صاعد واقفي افوشته، مريم، *مقامه نویسی و مقامه نویسان در ادب عربي*، کیهان فرهنگی، شماره ۲۰۲، (۱۳۸۲ش).
۱۴. صمادی، وناسة، *التناص في رواية الجازية للدرابيش*، للجامعة الجمهورية الجزائرية (۲۰۰۲م).
۱۵. عزام، محمد، *شعرية الخطاب السردی*، الطبعة الأولى، دمشق، منشورات اتحاد الكتاب العرب، (۲۰۰۵م).
۱۶. عزام، محمد، *النص الغائب*، الطبعة الثانية، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب، (۲۰۰۱م).
۱۷. کریستوا، ژولیا، *کلام، مکالمه، رمان*، چاپ اول، پیام یزدانجو، به سوی پسامدن، تهران، نشر آگه (۱۳۸۱ش).
۱۸. مرتاض، عبد الملك، *فكرة السرقات الادبية ونظريه التناص*، جدة: مجلة علامات، النادي الأدبي الثقافي (۱۹۹۱م).
۱۹. مفتاح، محمد، *تحليل الخطاب الشعري (استراتيجية التناص)*، الطبعة الأولى، بيروت: دار التنوير للطباعة والنشر، (۱۹۸۵م).
۲۰. موسی، خليل، *البارودي رائد النهضة الشعرية الحديثة*، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب ابن الأثير، (۱۹۹۲م).
۲۱. موسی، خليل، *قراءات في الشعر العربي الحديث والمعاصر*، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب (۲۰۰۰م).
۲۲. ميرزایی، فرامرز؛ واحدی، ماشاءالله، *روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر*، همدان (۱۳۷۸ش).
۲۳. هاشمی، السيد أحمد، *جواهر البلاغة في المعاني والبيان والبدیع*، إشراف صدقي محمد جميل، الطبعة الأولى، طهران: مؤسسه الصادق للطباعة والنشر (۱۳۷۹ش).
۲۴. وعدالله، ليديا، *البينامتنی المعرفی في شعر عزالدين المناصره*، چاپ اول دارالمنداوی، (۲۰۰۵م).

ب- سایتهای اینترنتی:

۱. <http://www.awu-dam.org>

fa.wikipedia.org/wiki. http://www	.۲
http://www.honar.ac.ir/Publisher/pazhouhesh/viewpub.asp?id=۸۲	.۳
http://www.noormags.com/view/creator/CreatorArticles.aspx?creator	.۴
http://www.scribd.com/doc/۷۱۴۹۸۲۰/	.۵
http://www.wata.cc/forums/showthread.php?۸۲۲۴۴-	.۶